

شماره ۲۸۵۰ - ۵

تاریخ ۱۴ / ۶ / ۱۳۶۱



جمهوری اسلامی ایران

مجلس شورای اسلامی

بجسالی

شورای محترم نگهبان

لایحه شماره ۱۸۰۰۲ مورخ ۱۳۶۱/۳/۱۶ دولت در خصوص
آئین دادرسی کیفری که بنا بر تصمیم مجلس شورای اسلامی در جلسه
۱۳۶۱/۴/۲۰ تصویب آن طبق اصل هشتاد و پنجم قانون اساسی
به کمیسیون امور قضائی تفویض شده بود تا پس از تصویب برای مدت
پنج سال بصورت آزمایشی به مرحله اجرا درآید، موادی از آن در
جلسه روز شنبه مورخ ۱۳۶۱/۶/۶ با اصلاحاتی بتصویب کمیسیون
مذکور رسید که در اجرای اصل نود و چهارم قانون اساسی جهت
بررسی و اظهار نظر آن شورای محترم به پیوست ارسال میگردد.

رئیس مجلس شورای اسلامی

اکبر هاشمی
رئیس

دفتر شورای نگهبان
تاریخ ۱۳۶۱ / ۶ / ۱۴
شماره ۵۰۹۹



بخش اول

لایحه اصلاح موادی از قانون آئین دادرسی کیفری
فصل اول - در صلاحیت دادگاههای کیفری

ماده ۱۹۲ - جرائمی که رسیدگی بآنها در صلاحیت دادگاههای دادگستری اسلامی است به چهار قسمت تقسیم میشود .

۱- حدود ۲- قصاص ۳- دیات ۴- تعزیرات .

ماده ۱۹۳ - دادگاههای کیفری بترتیب مقرر در این قانون تشکیل و بجرائم اشخاص رسیدگی و تعیین کیفر خواهند نمود .

ماده ۱۹۴ - دادگاههای کیفری بدادگاههای کیفری یک و دادگاههای کیفری دو تقسیم میشوند - در معیت دادگاههای کیفری ۱ و ۲ دادرسی عمومی بشرح مندرج در مواد این قانون انجام وظیفه مینماید .

ماده ۱۹۵ - دادگاه کیفری یک تشکیل میشود از یک نفر رئیس یا عضو علی البدل و یک نفر مشاور ، حق رای بارتئیس یا عضو علی البدل دادگاه است ، لیکن قبل از اتخاذ تصمیم دادگاه ، مشاور مکلف است پرونده را دقیقاً مطالعه و بررسی نموده نظرات خود را مستدلاً بصورت کتبی اعلام نماید .

ماده ۱۹۶ - دادگاه کیفری یک در مراکز استانها و شهرهای بزرگ ولدی الاقتضای شهرها تیکه شورای عالی قضائی ایجاد آنرا لازم بداند تشکیل میشود و حسب مورد میتواند دارای شعب متعدد باشد تخصیص هر شعبه به هر یک از انواع خاص جرائم با شورای عالی قضائی است .

ماده ۱۹۷ - در نقاطیکه تشکیل دو شعبه دادگاه حقوقی و کیفری میسر نباشد یک شعبه دادگاه به کلیه دعاوی حقوقی و جرائم رسیدگی خواهد کرد .

ماده ۱۹۸ - دادگاههای کیفری ۱ بجرمهای زیر رسیدگی می نمایند .

الف - جرمی که کیفر آن اعدام ، رجم ، صلب و نفی بلد بعنوان حد باشد .

ب - " " " قطع یا نقص عضو باشد .

ج - " " " بحسب قانون ۱۰ سال زندان و بالاتر باشد .

د - " " " معادل ۲۰۰ هزار تومان و بالاتر و یا معادل $\frac{۲}{۵}$ اموال مجرم

و بالاتر باشد .

تبصره ۱ - هرگاه کیفر الف و ب از باب قصاص مترتب بر عمد باشد بخطا و شبه عمد



مجلسی

- ۲ -

- چنین جرمی نیز در دادگاه کیفری ۱ رسیدگی خواهد شد .
- تبصره ۲- هرگاه جرمی که ادعا شده احتمال ترتب یکی از کیفرهای مذکور بر آن باشد و پس از ختم دادرسی معلوم شود که کیفر آن کمتر از امور مذکوره است دادگاه کیفری درجه ۱ مبادرت بانشاء حکم خواهد کرد .
- ماده ۲۰۲- هرگاه کسی متهم بارتکاب چندین جرم از انواع مختلف باشد در دادگاهی محاکمه میشود که صلاحیت رسیدگی به مهمترین جرم را دارد .
- تبصره - به اتهامات متعدد متهم باید توأماً و یکجا رسیدگی شود لیکن اگر رسیدگی به تمام آنها موجب تعویق باشد حسب تقاضای دادستان دادگاه رسیدگی کننده میتواند به اتهاماتی که تحقیقات آنها کامل باشد حکم یا قرار مقتضی صادر کند .
- ماده ۲۰۳- در شهرهایی که شعب متعدد کیفری و حقوقی تشکیل شده باشد رئیس شعبه اول ریاست کل دادگاههای حقوقی و کیفری را دارا بوده و پرونده های واصله را به شعب حقوقی و جزائی ارجاع میکند .
- ماده ۲۰۴- رئیس کل دادگاههای حقوقی و کیفری هر شهرستان بعنوان رئیس دادگستری آن شهرستان بر کلیه دادگاههای حقوق و کیفری و دادرسی عمومی محل نظارت و ریاست اداری دارد همچنین رئیس دادگستری شهرستان مرکز استان ریاست اداری و نظارت بر امور دادگستری های شهرستانهای حوزه آن استان را خواهد داشت .
- ماده ۲۰۵- شرکاء و معاونین مجرم در دادگاهی محاکمه میشوند که صلاحیت رسیدگی به اتهام مجرم اصلی را دارد .
- ماده ۲۱۵- دادگاه کیفری ۱ تشکیل میشود از یک نفر رئیس یا عضو علی البدل .
- تبصره - هرگاه رئیس یا عضو علی البدل احساس کند در دادرسی نسبت به مواردی که نیاز به مشاور دارد در این صورت از رئیس کل دادگاهها و یا رئیس دادگستری حوزه متبوعه درخواست مشاور میکند و رئیس مذکور مکلف با عزام مشاور خواهد بود و پس از مشاوره حکم قاضی ملاک عمل خواهد بود .
- ماده ۲۱۶- دادگاه کیفری ۲ در مقر دادگاههای کیفری یک و سایر شهرستانها تشکیل میشود و حسب مورد میتواند دارای شعب متعدد باشد .
- (اصلاح) ماده ۲۱۷- رسیدگی بجرمهایی که مجازاتش غیر کیفرهای مذکور در ماده ۱۹۸ و تبصره های آن باشد بعهده دادگاه کیفری ۲ میباشد . همچنین
- رسیدگی بکلیه اعمال خلافی و تخلفات از قبیل عدم رعایت مقررات و نظامات مربوط به شهرداری ، پلیس (شهربانی) بهداری ، بهداشت ، ترافیک (اعم از مقررات راهنمایی و رانندگی ، حمل و نقل با رومسافرس) ، ولگسردی ، تکدی ، فحاشی و

- امثال آن دادگاه کیفری ۲ میباشد .
- ماده ۲۱۹- دادگاههای کیفری در موارد زیر شروع برسدگی مینمایند .
- ۱- اقامه دعوی و شکایت مدعی خصوصی بواسطه وقوع جرم یا ضروریانی که از جرم بآنان وارد آمده است .
 - ۲- در مورد جرائم مشهود .
 - ۳- اعلام و اخبار ضابطین دادگستری یا اشخاص ظاهر الصلاح و یا کسانیکه از قولشان اطمینان حاصل شود .
 - ۴- تقاضا نامو کیفرخواست دادسرا .
 - ۵- بموجب حکم دادگاه کیفری ۲ در تعقیب امر جزائی در مورد اختلاف عقیده بین بازپرس و دادستان .
- ماده ۲۲۴- در جرائم مهم لازمست قبل از محاکمه تحقیقات مقدماتی و بازپرسی بعمل آید در سایر موارد و همچنین در مورد بیکه با شکایت مستقیم مدعی خصوصی تعقیب و محاکمه انجام میشود دادگاه کیفری نظر به اوضاع و احوال قضیه میتواند بدون تحقیقات مقدماتی و بازپرسی شروع به محاکمه نماید .
- ماده ۲۶۰- بطور کلی در امور کیفری و جرائم ، گزارش کتبی ضابطین دادگستری و اشخاصیکه برای تحقیق در امور کیفری مامور شده اند و همچنین اظهارات گواهان و کارشناسان معتبر است بشرط آنکه ضابطین و کارشناسان و گواهان لاقلاً دو نفر و عادل باشند مگر آنکه برخلاف علم قطعی قاضی باشد .
- (اصلاح) ماده ۲۸۴- حکم دادگاه بدوی تنها در ۳ مورد قابل نقض و تجدید نظراست و در سایر موارد قطعی است .
- ۱- جائی که قاضی پرونده قطع پیدا کند که حکمش برخلاف موازین قانونی یا شرعی بوده است .
 - ۲- جائیکه قاضی دیگری قطع با اشتباه قانونی یا شرعی قاضی پرونده پیدا کند ، بنحویکه اگر با و تذکر داده شود متنبه گردد و متوجه اشتباه خود شود .
 - ۳- جائیکه ثابت شود قاضی پرونده صلاحیت رسیدگی و انشاء حکم را در موضوع پرونده نداشته است .
- تبصره- در این ۳ مورد با یاد پرونده با دلیل اشتباه و یا دلیل عدم صلاحیت قاضی بمرجعی که شورای عالی قضائی تعیین میکند فرستاده شود تا پس از تائید این مرجع حکم سابق نقض و مورد تجدید نظر قرار گیرد .
- آئیننامه اجرائی این ماده و تبصره آن توسط شورای عالی قضائی تهیه و تصویب هیات



دولت و بمرحله اجرا گذاشته میشود .

ماده ۲۸۴ مکرر - پس از نقض حکم دادگاه بعدی تجدیدنظر در همان دادگاه یا دادگاه دیگری بشرط صالح بودن انجام خواهد شد .

ماده ۲۸۵ - نظرات دادگاه کیفری اکه منتهی به کیفرهای مندرج در ماده ۱۹۸ و تبصره آن میشود اعم از اینکه طرفین دعوی یا دادستان دادگاه اعتراض کرده باشند یا نه در دیوان عالی کشور مطرح و مورد رسیدگی شکلی قرار خواهد گرفت .

ماده ۲۸۷ - رئیس دادگاه کیفری یک پس از رسیدگی و محاکمه متهم و مطالعه پرونده و نظریه مشاور هرگاه نظرش منتهی ببراءت متهم و یا بکیفری کمتر از کیفرهای مندرج در ماده ۱۹۸ و تبصره آن باشد را سا مبادرت بانشاء حکم میکند و این حکم بجز در موارد مذکور در ماده ۲۸۴ قطعی است لکن هرگاه نظرش منتهی بکیفرهای مذکور شد بدون انشاء رای بدو نظر و استنباط قضائی خود را بطور کتبی موجهاً بدیوان عالی کشور ارسال میدارد دیوان عالی کشور با ملاحظه نظریه دادگاه و رسیدگی شکلی به پرونده امر چنانچه نظریه راصحیح و موجه تشخیص داد آنرا تنفیذ و پرونده را اعاده مینماید تا رئیس دادگاه انشاء حکم نماید که در اینصورت رای صادره قطعی است .

ماده ۲۸۸ - هرگاه دیوان عالی کشور نسبت به نظریه قضائی دادگاه کیفری یک ایراد داشته یا نقائصی ببیند نظر خود را مستدلاً مینویسد و پرونده را بدادگاه رسیدگی کننده ارسال میدارد . اگر دادگاه نظر دیوان عالی را پذیرفت برابر آن حکم مقتضی صادر خواهد نمود . در غیر اینصورت پرونده را نزد ریاست کل دادگاهها ارسال مینماید تا حسب الارجاع در شعبه دیگری رسیدگی ماهوی شود شعبه مرجوع الیه نیز پس از رسیدگی چنانچه نظر دیوان عالی کشور را پذیرفت مطابق آن انشاء حکم مینماید و الا پرونده مجدداً بدیوان عالی کشور عودت داده میشود در چنین مواردی پرونده در هیات عمومی دیوان عالی کشور مطرح و طبق نظر اکثریت مطلق اعضاء بیکی از طرق زیر عمل میشود .

۱- در صورتیکه هیات عمومی دیوان عالی کشور نظریکی از شعب دادگاه کیفری یک راصحیح و موجه تشخیص دهد در اینصورت پرونده را بهمان شعبه رسیدگی کننده ارسال میدارد که انشاء حکم نماید .

۲- نظرات قضائی دو شعبه رسیدگی کننده مشابه و هر دو صحیح و موجه است در اینصورت پرونده به شعبه رسیدگی کننده ثانوی جهت انشاء حکم ارسال میشود .

۳- در غیر موارد مذکور در فوق هیات عمومی طبق نظریه اکثریت مطلق اعضاء پرونده را جهت ارجاع بیکی از شعب دیوان عالی نزد ریاست کل میفرستد شعبه مرجوع الیه دیوان عالی کشور مکلف است نسبت بموضوع پرونده ماهیتاً رسیدگی و حکم مقتضی را انشاء

نماید. حکم صادره قطعی است.

ماده ۲۸۹- احکام دادگاههای کیفری باید مستدل و موجه بوده مستند به مواد قانون و اصولی باشد که بر اساس آن حکم صادر شده است. دادگاهها مکلفند حکم هر قضیه را در قوانین مدونه بیايند و اگر قانونی نباشد با استناد به منابع فقهی معتبر یا فتاوی مشهور و معتبر حکم قضیه را صادر نمایند و دادگاهها نمیتوانند بهانه سکوت یا نقص یا اجمال یا تعارض قوانین مدونه از رسیدگی به شکایات و دعاوی و صدور حکم امتناع ورزند.

ماده ۲۹۰- در جرائم و اموری که جنبه حق الهی دارند محاکمه مرتکب حتماً بایستی با حضور متهم صورت گیرد و در چنین مواردی دادگاههای کیفری مجاز به معاکمه و صدور حکم غیابی نمیشوند.

ماده ۲۹۱- در جرائمی که جنبه حق الهی ندارند و مربوط به حقوق الناس میباشد دادگاههای کیفری میتوانند در غیاب متهم دادگاه را تشکیل و حکم مقتضی صادر نمایند.

در مواردیکه دادگاه غیاباً با مبادرت بصدر حکم مینماید هرگاه محکوم علیه غایب راساً به حکم غیابی اعتراض ننماید دادگاه صادرکننده حکم غیابی مکلف است حقوق متهم غایب را در خصوص داشتن حق اعتراض بنا بر مبردها بلاغ نماید بعد از بلاغ مراتب اعم از اینکه اعتراض از ناحیه محکوم علیه غایب واصل شده یا نشده باشد دادگاه اتخاذ تصمیم خواهد نمود، در اینصورت حکم دادگاه قطعی و حضوری محسوب است.

تبصره- رسیدگی با اعتراض معترض به حکم غیابی در دادگاه صادرکننده حکم غیابی بعمل میآید.

مواد مورد لزوم در تشکیل شعب دیوان عالی کشور

ماده ۱- هریک از شعب دیوان عالی کشور از دو نفر قاضی واجد شرایط که یکی از آنها رئیس و دیگری قاضی مستشار است تشکیل میشود.

ماده ۲- هریک از دو عضو شعب باید یا مجتهد باشد و یا ۱۰ سال تمام درس خارج شرکت نموده باشد و یا دارای ۱۰ سال سابقه کار قضائی و یا وکالت و آشنائی کامل بقوانین مدون اسلامی باشد.

تبصره- تشخیص دارا بودن شرایط فوق بعهدده شورای عالی قضائی است.

ماده ۳- هریک از اعضاء شعب دیوان عالی کشور موظف است پرونده ارجاعی را با کمال دقت مطالعه و بررسی شکلی نموده پس از مشاوره کافی بطور مستدل اظهار نظر نماید.

- ماده ۴- در صورت اختلاف نظربین دو عضو شعبه یکی از قضات شعب دیگر با آنان
ضمیمه و ملاک عمل رای اکثریت خواهد بود .
- ماده ۵- دیوان عالی کشور در تهران تشکیل میشود اگر شورای عالی قضائی مصلحت
بداند میتواند در شهرستان دیگری نیز تشکیل دهد .
- ماده ۶- شعب دیوان عالی کشور بحسب مقدار نیاز متعدد خواهد بود و ریاست همه
شعب بعهده رئیس شعبه اول است و پرونده‌ها بدستور او بشعب دیگر ارجاع میشود و میتواند
تقسیم و ارجاع پرونده‌ها را به رئیس یکی از شعب دیگر واگذار نماید .